

# فقه نظام‌ساز

فصلنامه علمی - پژوهشی  
سال اول؛ شماره چهارم؛ زمستان ۱۴۰۱

## جواز یا عدم جواز ورود به حریم شخصی فرزند و همسر با هدف تربیتی

هادی عجمی<sup>۱</sup>

### چکیده

برخی از زمینه‌های فساد در حریم شخصی افراد شکل می‌گیرد. حریم شخصی پیوسته ممکن است محل ایجاد انحراف افراد قرار گیرد. در نتیجه مسئله این مقاله پاسخ به این پرسش است که آیا در راستای جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های فساد در خانواده می‌توان در حریم شخصی همسر (زوجه) و فرزندان ورود کرد؟ این مقاله کیفی با روش تحلیلی و اجتهادی به بررسی اجمالی دو احتمال جواز و عدم جواز این اقدام پرداخته است. هدف این مقاله، حل فقهی این پرسش است تا مسئله‌ای پاسخگوی یکی از مسائل و پرسش‌های مهم والدین نسبت به فرزندان و زوج نسبت به زوجه باشد. پژوهشگر در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که ورود به حریم شخصی، عنوان محرمی است که تنها در آن جایی می‌توان برای صیانت به حریم شخصی وارد شد که انجام وظایف صیانتی و بازداري فرزند و همسر از گناه، منحصر به ورود به حریم شخصی آن‌ها باشد.

واژگان کلیدی: حریم شخصی، تربیت فرزند، ورود به حریم شخصی، وظایف تربیتی، حریم شخصی زوجه.

۱. پژوهشگر فقه تربیتی و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم  
\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵ \* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵



## مقدمه

روشن است که برخی از زمینه‌های فساد در حریم شخصی افراد شکل می‌گیرد؛ برای نمونه، در کنار دسترسی روزافزون به رسانه‌ها و فضای مجازی در زندگی امروز بشر،<sup>۱</sup> بخش قابل توجهی از این رسانه‌ها، مروج محتوای غیراخلاقی و زمینه‌ساز فساد و تحریک جنسی هستند.<sup>۲</sup> این دسترسی آسان، احتمال مواجه شدن با زمینه‌سازهای فساد و تحریک‌کننده‌های جنسی در حریم شخصی را افزایش می‌دهد. این نکته هم‌چنین در ارتباط فرزندان با دوستان نیز قابل طرح است؛ زیرا ممکن است در این ارتباط‌ها و در حریم شخصی آن‌ها زمینه‌های فساد به وجود آید. در نتیجه حریم شخصی پیوسته ممکن است محل ایجاد انحراف افراد قرار گیرد.

در نهایت این پرسش به وجود می‌آید که آیا در راستای جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های فساد در خانواده می‌توان در حریم شخصی همسر و فرزندان ورود کرد؟ با توجه به این پرسش مهم در عرصه تربیت، مسئله مقاله این است که با توجه به وظایف والدین نسبت به محیط خانواده و تربیت فرزندان، با هدف حذف زمینه‌های فساد می‌توان به حریم شخصی فرزندان و زوجه وارد شد؟ نمونه مهم این مسئله، ناظر به شیوه حذف زمینه‌های تحریک جنسی فرزندان در اینترنت و فضای مجازی است.

۱. آمارهای غیررسمی بیانگر ضریب نفوذ ۸۰ درصدی اینترنت در کشور است. این در حالی است که متوسط استفاده از اینترنت در دنیا، ۴۶ درصد است. در همین حال، این آمارها از وجود ۴۰ میلیون گوشی هوشمند در کشور حکایت دارد. ۵۳ درصد مردم ایران حداقل عضو یک شبکه اجتماعی هستند. ۷۲ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال، در شبکه‌های اجتماعی عضویت دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌صورت میانگین، ایرانی‌ها ۵ تا ۹ ساعت در روز در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند! ۲۰ میلیون کاربر گیمر در کشور وجود دارد و سالانه بالغ بر ۱۴۰۶ میلیارد ساعت صرف بازی‌های رایانه‌ای و موبایل در ایران می‌شود. (سید مرتضی موسویان (رئیس مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت ارشاد)، در همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کسب و کار در فناوری اطلاعات و ارتباطات، به نقل از: [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)).

۲. براساس نتایج تحقیق مؤسسه بین‌المللی خانواده ام (که یک مؤسسه بین‌المللی مستقر در آمریکا است) ۱۲ درصد از سایت‌های جهان پورنوگرافی هستند؛ ۴۲۰ میلیون صفحه پورنو سالانه به اینترنت اضافه می‌شود؛ ۸۹ درصد محتوای چت و نرم‌افزارهای تلفن همراه، غیراخلاقی است؛ بیش از یک میلیارد و دویست میلیون (۲۵۰) درصد کل جست‌وجوها) در گوگل پورنوگرافی هستند؛ به‌جهت شدت آلودگی فضای اینترنت ۳۴ درصد کاربران اینترنت ناخواسته پورنوگرافی را می‌بینند؛ هر روز ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ایمیل پورنوگرافی ارسال می‌شود؛ کاربران اینترنت، به‌طور متوسط برای اولین بار در ۱۱ سالگی پورنوگرافی را تجربه می‌کنند؛ ۹۰ درصد کودکان ۸ تا ۱۶ ساله در جهان به دور از چشم والدین، به سراغ بخش زنده فیلم پورنوگرافی می‌روند. ۳۵ درصد کل دانه‌های اینترنت (برابر با ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دانه در ماه) دانه‌های فیلم‌های با کیفیت پورنوگرافی بوده است.



برای پاسخ به این پرسش، دو احتمال جواز و عدم جواز، بررسی و در نهایت دیدگاه برگزیده بیان می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

با توجه به روشن بودن مفهوم فرزند و همسر، برای روشن شدن بهتر مسئله، تنها به تعریف تربیت و حریم شخصی بسنده می‌کنیم.

### تربیت

در این‌که ریشه تربیت از «رَبَوَ» به معنای زیادت و فرونی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۲: ۲۹) یا «رَبَّ بَ» به معنای مالکیت و تدبیر (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱: ۳۹۹) اختلاف وجود دارد. در قرآن، مفهوم تربیت از ریشه «رَبَوَ» چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در مواردی هم که این واژه در ارتباط با انسان به کار برده شده، مفهوم رشد جسمی داشته است.<sup>۱</sup> کلماتی از ریشه «رَبَّ بَ» در آیات فراوانی آمده است؛ به گونه‌ای که مشتقات این واژه از ریشه «ربب» به خصوص کلمه «رَبَّ» از نظر کثرت استعمال در قرآن و ادعیه کم‌نظیر است. در قرآن، علاوه بر واژه «رَبَّ»، برخی دیگر از مشتقات ماده «ربب» مثل «رَبَّيُون»<sup>۲</sup> و «رَبَانِيُون»<sup>۳</sup> که مرتبط با مباحث تربیتی و در اصطلاح، به معنای مربیان و متربیان است نیز به کار رفته است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

تربیت، در معنای اصطلاحی، معنایی وسیع‌تر یافته و به ارتباطی گفته می‌شود که میان مربی و متربی برای به فعلیت رساندن استعدادهای درونی متربی استفاده می‌شود. شهید مطهری تربیت را عبارت می‌داند از: «پرورش دادن؛ یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۳). معنای برگزیده نیز همین است.

۱. در دو آیه: «فُلُّ رَبِّ زَحْمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت‌شان قرار ده!» (اسرا: ۲۴). «قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكْ فِينَا وَلَبَدًا وَ لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ؛ (فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم و سال‌هایی از زندگی‌ت را در میان ما نبود؟» (شعرا: ۱۸).

۲. «و كَابِنِ مَنْ نَبِيٍّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶).

۳. «آتَا انزلنا التوریه فیها هدی و نور یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا و الریائون و الاحبار بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء» (مائده: ۴۴).



## حریم شخصی

حریم شخصی همچون مقوله «آزادی» از مباحث چالشی در فلسفه و حقوق امروز است. تعاریف فلسفی بسیار متعددی از آن بیان شده است که بیان آن‌ها از عهده این مقاله خارج است؛ برای نمونه، در فرهنگ حقوقی آکسفورد در تعریف حریم خصوصی آمده است: *The right to be left alone* - حق برای خود بودن - (آقا بابایی، ۱۳۸۹: ۴). حق حریم خصوصی در دایره‌المعارف بریتانیکا این‌چنین تعریف شده است: «حق تنها بودن بدون مزاحمت بی‌جا به وسیله دولت، رسانه یا دیگر نهادها یا افراد» (به نقل از شهریاری، ۱۳۹۸: ۸۲).<sup>۱</sup> در حقوق نیز این مسئله مورد توجه بوده و هست. در حقوق به جنبه ارتباط با دخالت دولت و بعد حقوقی آن توجه بیشتری دارند؛ مانند: «حق افراد برای حمایت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور و زندگی افراد و خانواده‌هایشان با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله نشر اطلاعات» (انصاری، ۱۳۹۴: ۱۷).

امروزه، در پی گسترده شدن فضای مجازی و تبادل اطلاعات، حریم خصوصی در این فضا مورد توجه بیشتری قرار گرفته و حتی تعاریف را به این سمت برده است؛ مانند: تعریف چالز فرید که حریم خصوصی را براساس کنترل، این‌گونه تعریف کرده است: «حریم خصوصی صرفاً فقدان اطلاعات درباره ما نزد دیگران نیست؛ بلکه عبارت است از کنترلی که ما بر اطلاعات مربوط به خودمان داریم» (به نقل از شهریاری، ۱۳۹۸: ۱۱۷).<sup>۲</sup>

در جمع‌بندی می‌توان گفت که محور، خلوت و تنهایی است؛ البته این خلوت مستلزم آن است که حرز و حریمی باشد که در معرض دیگران نباشد. این مفهوم از دل خلوت و تنهایی و در معرض نبودن بیرون می‌آید. به بیانی دیگر، نوعی از حرز و دیوار ملاک است که اگر نباشد، حریم خصوصی نیست. در آن حریم، افراد آزاد هستند هر آنچه می‌خواهند باشند و رفتار کنند؛ مگر این‌که مانع حریم و آزادی دیگران گردند.

در نتیجه می‌توان گفت که هر کسی محدوده‌ای دارد که می‌تواند دیگران را از ورود و تصرف در آن و کسب آن، منع و محروم کند. این منطقه ملک و حریم و قُرق‌گاه و به نوعی حرز او است.

۱. Warran & barandeis، ۱۸۹۰: ۱۹۳.

۲. Fried، ۱۹۸۴: ۲۰۹.



## ۲. بررسی احتمال‌ها در مسئله

در جهت بیان ادله جواز و عدم جواز، دو احتمال بررسی می‌گردد.

### عدم جواز ورود به حریم شخصی

در ادله شرعی، حریم شخصی دارای دو بعد است:

اثبات حریم شخصی برای خود افراد؛ به بیانی دیگر، حق داشتن حریم شخصی که موضوع این مقاله نیست؛

لزوم رعایت آن حریم از سوی دیگران که در این مقاله ارتباط آن با مسئله تربیت فرزند و همسر بررسی می‌گردد.

بعد دیگر حریم شخصی، لزوم رعایت این حریم از سوی دیگران یا همان رعایت حریم شخصی است. رعایت حریم دیگران، همچون بسیاری از عنوان‌های نوظهور و مطرح در جامعه معاصر، عنوانی برداشت شده از عنوان‌های طرح شده در ادله شرعی است؛ این عناوین در این بحث عبارت از: ممنوعیت تجسس، تفتیش، استراق سمع و بصر و ورود به منازل بدون استیذان می‌باشد.

### ممنوعیت تجسس و تفتیش

اولین عنوان مورد بررسی، دلیل ممنوعیت تجسس و تفتیش است. دلیل این عنوان آیه ذیل است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات: ۱۲). این آیه از گمان بد، تجسس و غیبت نهی کرده است. فراز مورد نظر، «وَ لَا تَجَسَّسُوا» است.

#### • تبیین لغوی

تجسس از ریشه «جسس» می‌باشد. «جسس» به معنای لمس ظریفانه شیئی برای شناخت آن است. در این باره العین می‌نویسد: «جَسَسْتُه بیدی آی لمسته لأنظر مَجَسَّه آی مَمَسَّه» (فراهیدی، ۵۴۰۹، ق، ۵: ۶). نیز به معنای خبر آمده و جاسوس نیز از این ریشه است (همان).<sup>۱</sup>

۱. «وَالجَسُّ جَسٌّ الخبر ومنه التَّجَسُّسُ للجاسوس».



در معجم‌المقائیس آمده است: «تَعْرِفُ الشَّيْءَ بِمَسِّ لَطِيفٍ» (ابوالحسین، ۵۱۴: ۱، ۵۱۴: ۱).<sup>۱</sup> درباره

این‌که این مخفی بودن، قید چه چیزی است، سه احتمال وجود دارد:

۱. روش فرد، ناپیدا یا نهان باشد؛

۲. آنچه در پی آن است، ناپیدا و نهان باشد؛

۳. هر دو.

می‌توان گفت که تجسس بر هر دو دلالت دارد؛ زیرا تجسس، به معنای کشف خبری به صورت مخفی و ظریف است. این کشف و اطلاع مخفی و ظریفانه ملازمه دارد با این‌که آن مسئله مخفی باشد و به بیانی دیگر، عده‌ای درصدد مخفی ماندن آن باشند؛ وگرنه نیازی به کشف مخفیانه و با ظرافت نداشت. در واقع لطافت و مخفی بودن، قید روش و کار است؛ اما با این‌که آن خبر نیز مخفی است، ملازمه دارد. در نتیجه می‌توان تجسس را به تلاش مخفیانه برای کشف امر ناپیدا و نهان معنا کرد.

#### • تبیین حکمی

از آن‌جا که نهی، ظهور در حرمت دارد، این فراز دلالت بر حرمت تجسس دارد. همان‌گونه که فقها نیز به حرمت تجسس<sup>۲</sup> حکم داده‌اند.

توضیح بیشتر این‌که:

۱. هرچند در لغت، کشف امر مخفی را در صورتی که مخفیانه و همراه لطافت نباشد، تجسس نمی‌گویند؛ اما در مقام حکم، با توجه به مناسبت حکم و موضوع، کشف مسئله مخفی محوریت دارد، هرچند با ظرافت انجام نگیرد؛ در نتیجه از قید مخفیانه بودن، الغای خصوصیت می‌شود. به همین دلیل، در نهی از تجسس، ملاک، مقصد و منظور، کشف امر خفی است.

۲. ملاک مخفی بودن، افراد و عرف هستند. اگر امری را عرف سرّ و مخفی بدانند، آن امر سرّی است. از سویی، اگر خود فرد بگوید سرّ است، عرف، این مسئله را سرّ آن فرد

۱. «الجمیم و السین أصل واحد وهو تعرف الشيء بمس لطيف. يقال جَسَسْتُ العزق و عَجَّرَهُ جَسًّا و الجاسوس فاعول من هذا؛ لأنه يتختر ما يريده بخفاؤه و لطفه».

۲. از جمله در: نراقی، ۵۱۴۲۲: ۲، ۳۵۴: نجفی (صاحب جواهر)، ۵۱۴۰۴: ۱۳، ۲۹۸: مجلسی اصفهانی (مجلسی اول)، ۵۱۴۰۶: ۶، ۱۰۶: موسوی خمینی، ۵۱۴۲۲: ۲، ۶۲۲: جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۵۱۴۲۳: ۲، ۴۶: مکارم شیرازی، ۵۱۴۲۶: ۲۷۰.



می‌داند.

به بیانی دیگر، مفهوم خفا و سرّ عرفی است. این مفهوم عرفی دو حالت دارد:  
- آنچه عرف، انجام آن را نوعاً مخفی می‌داند؛ هرچند انجام‌دهنده، آن را در خفا انجام نداده باشد؛

- انجام‌دهنده می‌خواهد آن مسئله مخفی باشد؛ هرچند در عرف، آن مسئله را امری مخفی ندانند؛ در این موارد رضایت انجام‌دهنده، لازم است؛ زیرا بر پایه «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» عرف، سرّ افراد را از آن‌ها می‌داند؛ در نتیجه بر پایه فهم عرفی، خبری را که خود فرد راز خودش قرار داده است، مال او است و نمی‌تواند کسی وارد آن شود.

۳. سرّ امری مشکک و دارای مراتب است. اسرار مراتبی دارند: سرّ شخص؛ سرّ فامیل؛ سرّ گروهی از مردم؛ سرّ کشور.

از سویی سرّ، امری نسبی است. ممکن است در منطقه‌ای سرّ باشد، اما در جایی دیگر سرّ نباشد.

۴. سرّ در لغت مطلق است و می‌تواند شامل امر خیر یا شر گردد؛ اما از منظر حکمی، سه احتمال در شمول سرّ نسبت به امر خیر و نیک وجود دارد:  
- عدم شمول؛ زیرا سرّ، منصرف به جایی است که شری از فرد بیان شود که لطمه‌ای به فرد می‌زند.

- شمول؛ زیرا ملاک، ناراحتی فرد از افشای آن سرّ است که شامل خیر و شر می‌شود.  
- تفصیل؛ یعنی شمول نسبت به خیری که افشای آن موجب ناراحتی فرد شود.  
دیدگاه برگزیده تفصیل است؛ یعنی بگوئیم به مناسبت حکم و موضوع، تنها از صورتی که افشای آن سرّ موجب ناراحتی فرد می‌شود، انصراف درست می‌کند؛ زیرا ملاک، ناراحتی فرد است. در نتیجه سرّ خیری که افشای آن موجب ناراحتی فرد نمی‌گردد، شامل حکم تجسس نمی‌شود؛ هرچند در لغت، تجسس است.

۵. خفی یعنی چیزی که فرد عنایت به مخفی ماندن آن دارد. چیزی که به‌طور طبیعی مخفی مانده، از این تعریف خارج است. به این دلیل که لغت تجسس، شامل آن نمی‌گردد



یا انصراف در مقام مخاطب دارد.

در نتیجه معنای تجسس در مقام مفهوم‌شناسی و استظهار در مقام مخاطب بر پایه مناسبت حکم و موضوع، متفاوت است.

۶. بعید نیست که تجسس عنوان قصدی باشد و اگر نداند صدق نمی‌کند.

۷. همان‌گونه که بیان شد، عرف از این نهی (لَا تَجَسَّسُوا) ملازمه را فهم می‌کند. نهی از تجسس و افشا از دیدگاه عرف ملازمت دارد با این‌که این حق و مال او است.

### ممنوعیت عیب‌جویی مخفیانه

عنوان مورد نظر، عیب‌جویی است که به صورت مخفیانه و با نقض حریم افراد صورت گیرد؛ نه مطلق عیب‌جویی. این عنوان اخص از تجسس است؛ زیرا تجسس اعم از کشف مخفی عیوب یا محاسن است؛ اما در عیب‌جویی مورد نظر، تنها صورت نخست است. در نتیجه آیه تجسس نیز می‌تواند دلیل آن قرار گیرد؛ اما علاوه بر آن، عناوین دیگری در روایات وجود دارد که ادله خاص تجسس در عیوب (عیب‌جویی) است. ادله این عنوان مجموعه‌ای از روایات هستند که از «تبع عورات مسلمین» نهی کرده‌اند؛<sup>۱</sup> از جمله روایت ذیل: «مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَدْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي بَيْتِهِ» (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۲، ۳۵۴).

#### • بررسی سندی

راویان این حدیث، امامی هستند و شامل: محمد بن یحیی العطار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳)؛ احمد بن محمد بن عیسی (همان: ۸۳) و علی بن نعمان (همان: ۴۰) می‌باشند و اسحاق بن عمار نیز هر چند فتحی، اما ثقه است (همان: ۷۱). در نتیجه روایت موثق است.

#### بررسی دلالی

عوره در ریشه، معنایی عام دارد. در العین آورده است: «الْعَوْرَةُ: سَوْءُ الْإِنْسَانِ وَ كُلُّ أَمْرٍ يَسْتَحْيِي مِنْهُ فَهُوَ عَوْرَةٌ» (فراهیدی، ۵۱۴۰۹، ج ۲، ۲۳۷). در معجم‌المقاییس آمده است: «معناه الخلو»

۱. «بَابُ مَنْ تَلَبَّ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَوْرَاتِهِمْ» (کلینی، ۵۱۴۰۷، ج ۲، ۳۵۴).



من النظر. ثم يُحْمَلُ عليه و يشْتَقُّ منه)) (ابوالحسین، ۵۱۴۰۴، ق. ۴: ۱۸۴). یعنی از مخفی شدن از دیدگان منتقل شده به چیزی که نباید دید. نیز آورده است: «كَأَنَّ الْعَوْرَةَ شَيْءٌ يَنْبَغِي مِرَاقَبَتَهُ لَخَلْوِهِ وَ عَلَى ذَلِكَ فَسَّرَ قَوْلُهُ تَعَالَى: يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ، قَالُوا: كَأَنَّهَا لِبَيْتٍ بَحْرِيَّةٍ» (همان، ۴: ۱۸۵).

این واژه دلالت دارد بر چیزی که نباید دیده شود و به بیانی دیگر، باید از آن مراقبت کرد. بر این پایه است که در معانی خاص همانند: خانه (قرآن کریم، احزاب: ۱۳) و زنان (راغب اصفهانی، ۴۱۲: ۵۹۵) به کار رفته است. بنابراین، در ریشه، معنای عام دارد و در استعمال، مشترک لفظی میان معانی خاص و عام است که در فقه، معنای خاص آن بیشتر مورد توجه بوده است؛ اما در این روایات قرینه وجود دارد بر این که معنای عام مورد نظر است. مهم ترین قرینه، روایت بعدی (صحیح زید الشحام) است که دلالت بر اراده معنای عام (مطلق آنچه نباید دیده شود) دارد.

از سویی با توجه به این که در معنایش آمده است: «سوءه الإنسان و کل امر یستحی منه»، شامل اشتباهات انسان که نمی‌خواهد دیگران بفهمند نیز می‌شود.

«تبع» در ریشه به معنای کاری را بعد از کاری بدون فاصله انجام دادن است: «فعلک شیئاً بعد شیء» همچنین به سایه نیز اطلاق شده؛ زیرا تا زائل نشده است، پیوسته پشت هم می‌آید (فراهیدی، ۵۱۴۰۹، ق. ۲: ۷۸) و همراه صاحب سایه است. (ابوعمر و الشیبانی، بی تا، ۱: ۹۷) «تبع» از آن ریشه یافته و در این موارد به معنای در پی چیزی رفتن و جست‌وجو درباره آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ق. ۸: ۲۸) در نتیجه «وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ» بر نهی مولوی از در پی عیب مسلمانان رفتن و جست‌وجوی آن و حرمت این عمل دلالت دارد. آنچه منصرف از این روایات است، کشف و بیان خوبی مخفی فرد است؛ به خلاف تجسس که معنایی عام از این جهت داشت و شامل تجسس در خوبی افراد می‌شد.

## ممنوعیت استراق سمع و بصر

از عناوین دیگر سازنده عنوان کلی لزوم رعایت حریم شخصی افراد، ممنوعیت استراق سمع

۱. معنای عام آن، همان شرمگاه مرد و زن است که در این معنا عنوان «عَوْرَاتُ الْمُسْلِمِينَ» در احکام پوشش و مانند آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند: احکام الخلوه التخلدر (نجفی، ۵۱۴۰۴، ق. ۲: ۲؛ ذفولی، بی تا، ۱: ۴۱۷).



و بصر است.

اگر استراق سمع را معنایی اخص از تجسس بدانیم یا با هدف عیب‌جویی پنهان صورت گیرد، ادله حرمت تجسس و عیب‌جویی، شامل آن می‌شود؛ زیرا ادله مستقل چندانی ندارد. دلیل بیان شده برای حرمت آن، روایت ذیل است. «أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ الدَّيْلَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ أَيُّوبَ السَّخْتِيَانِيِّ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «... مَنِ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنَيْهِ الْأَنْكُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ سُفْيَانُ الْأَنْكُ هُوَ الرَّصَاصُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۱۰۹).

سند این روایت ضعیف است؛ زیرا به جز ابن عباس، توثیقی از دیگر راویان در کتب مرجع رجال وجود ندارد.

#### • بررسی دلالتی

«اسْتَرَقَ السَّمْعَ» وقتی است که کسی دزدانه به سخن کسی گوش فرا دهد و بشنود. (راغب اصفهانی، ۵۱۲: ۵۱۳، ۴۰۸). «اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ» به معنای گوش دادن مخفیانه به سخنی است که گوینده کراهت از شنیده شدن آن دارد. در این روایت عقاب این کار بیان شده است «يُصَبُّ فِي أُذُنَيْهِ الْأَنْكُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ از آن‌جا که ثواب و عقاب اخروی، همان حکم است، این روایت مولوی است و دلالت بر حرمت این عمل دارد؛ زیرا ثواب و عقاب، ملازم امر و نهی مولوی است یا به آن ملحق می‌شود.

مانع برداشت حکم شرعی از این روایت، ضعف سندی آن است؛ البته در حرمت استراق سمع، می‌توان از ادله حرمت تجسس نیز بهره برد؛ همچون فقهایی که چنین کرده‌اند؛ زیرا از لوازم استراق سمع، تجسس است (ر.ک به: شاهرودی، ۴۲۳: ۵، ۱۱: ۳۱۷) یا می‌توان گفت که نوعی تجسس است و میان آن دو، عموم و خصوص مطلق است. به همین دلیل، فقها نیز به حرمت استراق سمع (همان: ۳۱۸) حکم داده‌اند. البته شرایط و استثنائاتی برای این حکم بیان کرده‌اند.

#### ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

عنوان دیگر، حرمت ورود بدون اذن به منازل است. دلیل محوری، آیات ۱۸۹ سوره بقره و



۲۷ و ۲۸ سوره نور می‌باشند؛ اما از آن‌جا که این ادله ارتباط کمتری با بحث حریم شخصی افراد خانواده دارد و به جهت اختصار، بررسی نمی‌گردد.

#### • نتیجه‌گیری از این بحث

در اثبات «لزوم رعایت حریم دیگران»، چهار دسته ادله با عناوین ممنوعیت تجسس، عیب‌جویی، استراق سمع و بصر، ورود بدون استیذان به منازل بیان شد. در جمع‌بندی این مطالب چند نکته زیر به دست می‌آید:

این عناوین سازنده عنوان کلی ممنوعیت ورود به حریم شخصی افراد هستند. بر پایه ادله، این حریم شامل حریم مادی و معنوی است؛ زیرا ادله بیان شده بر این دو بعد دلالت دارد:

الف) حریم مادی: ادله ممنوعیت ورود به منازل، دلالت مطابقی بر ممنوعیت ورود به حریم مادی دارد. ادله ممنوعیت تجسس، عیب‌جویی، استراق سمع و بصر، دلالت التزامی بر رعایت حریم مادی دارد. لازمه تحقق این عناوین در بسیاری از موارد، ورود به حریم مادی افراد است؛ مانند: ورود مخفیانه به خانه کسی برای تجسس یا استراق سمع.

ب) حریم معنوی: حریم خصوصی معنوی افراد، آن بخش از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که ناظر بر شخصیت و هویت او است و برای عموم آشکار نیست، او نیز تمایل به افشای آن ندارد و در صورت افشا، شخصیت او آسیب می‌بیند (شهبازفرخی، ۱۳۹۴: شماره ۲). ادله ممنوعیت تجسس، عیب‌جویی، استراق سمع و بصر، دلالت بر حرمت ورود به حریم معنوی افراد دارند؛ زیرا راز و سخن مخفی، حریم معنوی اشخاص است.

در نتیجه این ادله، بر لزوم رعایت حریم مادی و معنوی افراد دلالت دارند. در حریم مادی، ملاک همان حرز و حصار است که بر پایه تعاریف عرفی و سیره عقلا در هر زمان ممکن است تغییر داشته باشد. از سویی، در حریم معنوی نیز همان‌گونه که بیان شد، علاوه بر سیره عقلا که نمود آن در قوانین است، دو ملاک وجود دارد که شامل: عرف و قصد انجام‌دهنده در مخفی ماندن آن مسئله است.

این ادله بر حرمت ورود به این حریم دلالت دارد؛ از آن‌جا که در دایره وجوب و حرمت، ملازمه وجود دارد، وجوب رعایت این حریم نیز به دست می‌آید.



بنابراین، بر پایه عناوین فقهی بیان شده می‌توان قائل شد به «محدوده‌ای که به حکم اولی، ورود و تجسس در آن برای والدین، مربیان، دیگران و حاکمیت جایز نیست». برداشت این تجویز کلی از عناوین تجویزی خرد، همان است که در نظام‌سازی انجام می‌شود. ممکن است بر پایه این تجویز کلی، در نظام روابط میان‌فردی گفته شود که رعایت حریم افراد، حاکم بر دیگر تجویزهای نظام روابط میان‌فردی است.

### نتیجه‌گیری در تعریف حریم شخصی

بر پایه ادله بیان شده، حریم شخصی دارای دو جهت است:

حق فرد در داشتن حریم تنهایی که کسی بدون اجازه فرد نباید به آن وارد شود؛ لزوم رعایت حریم تعریف شده افراد از سوی دیگران و حاکمیت. این حق بر پایه دو بعد شکل می‌گیرد:

#### ۱. ملکیت

#### ۲. حرز و حصار

تعریف این حرز بر پایه تعاریف عرفی و سیره عقلا ممکن است در هر زمان تغییر داشته باشد. از سویی، در حریم معنوی نیز علاوه بر سیره عقلا که نمود آن در قوانین است، دو ملاک وجود دارد که عبارت از عرف و قصد انجام‌دهنده در مخفی ماندن آن مسئله می‌باشد؛ برای نمونه، درون منزل شخصی، حریم افراد است؛ اما نمای بیرونی ساختمان از آن جهت که تشکیل‌دهنده نمای کلی شهر است و از سویی، نمایان است و مخفی نشده است، ابعادی از آن، حریم خصوصی افراد نیست. در نتیجه حاکمیت می‌تواند قوانینی در جهت اصلاح محیط عام شهری برای نمای بیرونی ساختمان‌ها وضع کند.

نمونه دیگر خودرو است. درون خودرو دو بعد حریم شخصی و غیرشخصی دارد. آنچه در خودرو مخفی شده است را می‌توان حریم خصوصی افراد دانست؛ اما صوتی که از ماشین بلند شده است و مخفی نمانده است یا تصویری که از درون ماشین قابل دیدن است و مخفی نشده است، حریم خصوصی افراد نیست. در نتیجه نسبت به این ابعاد مخفی نشده که بدون شکستن حرز و تجسس، برای دیگران قابل دیدن و کشف است، حریم خصوصی خودرو نیست و حاکمیت می‌تواند در راستای اصلاح حریم شخصی، نسبت به



این محدوده، قوانینی وضع کند؛ مانند: قانون لزوم رعایت پوشش و حجاب اسلامی برای سرنشینان خودرو که بدون شکستن حریم و تجسس دیده می‌شوند؛ اما در مواردی که حریم شخصی افراد است، حاکمیت و عموم مکلفان در جهت اصلاح محیط عام اجتماعی نمی‌توانند بدان ورود پیدا کنند؛ مگر ذیل عناوین ثانوی دیگر.

### جواز ورود به حریم شخصی

در مقابل احتمال عدم جواز، احتمال دوم جواز ورود به حریم شخصی همسر و فرزندان در جهت اصلاح و از میان بردن زمینه انحراف در خانواده است. برای این احتمال، ادله‌ای قابل طرح است.

#### موثقه زراره

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ إِنَّ امْرَأَتَكَ الشَّيْبَانِيَّةَ خَارِجِيَّةٌ تَشْتُمُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ سَرَكَ أَنْ أَسْمِعَكَ مِنْهَا ذَلِكَ، أَسْمَعُكَ. قَالَ نَعَمْ. قَالَ فَإِذَا كَانَ عَدَا حِينَ تُرِيدُ أَنْ تَخْرُجَ كَمَا كُنْتَ تَخْرُجُ فَعَدَّ فَأَكْمُنْ فِي جَانِبِ الدَّارِ قَالَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ كَمَنْ فِي جَانِبِ الدَّارِ فَجَاءَ الرَّجُلُ؛ فَكَلَّمَهَا؛ فَتَبَيَّنَ مِنْهَا ذَلِكَ فَخَلَى سَبِيلَهَا وَكَانَتْ تُعْجِبُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵: ۳۵۱).

#### • بررسی سندی

راویان این حدیث حتی عبدالله بکیر ثقه هستند؛ زیرا هرچند فطحی مذهب، اما موثق می‌باشند (طوسی، ۱۴۲۰، ق: ۱۰۶).

#### • بررسی دلالی

در این روایت امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «مردی به امام سجاد علیه‌السلام عرض داشت: همسر شما خارجی است و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام بد می‌گوید. برای اثبات به حضرت گفت: آیا خوشحال می‌شوید که از او این سخنان را بشنوید؟ حضرت فرمودند: آری. آن مرد گفت: هنگام خروج از خانه همچون گذشته خارج شوید؛ اما بازگردید و پشت دیوار کمین کنید. وقتی از خانه بیرون می‌روید، در پشت در کمین کنید تا من با او حرف بزنم. آن



مرد می‌گوید: فردای آن روز زمانی که حضرت پشت دیوار بود، با آن زن سخن گفتم. از آن سخنان برای حضرت ادعایم اثبات گردید. حضرت به‌رغم این‌که این زن را دوست داشتند؛ او را رها کردند».

ادعا این است که در این روایت، حضرت به نوعی این تجسس را تأیید کردند و از سویی، هنگام سخن گفتن آن فرد با همسرشان، به نوعی استراق سمع کردند. به بیانی دیگر، در حریم خصوصی همسر وارد شدند؛ در حالی‌که در تبیین حریم شخصی، از مصادیق رعایت حریم شخصی دیگران، عدم تجسس و استراق سمع بیان شد. این سیره و تأیید حضرت، نشان از جواز ورود به حریم شخصی همسر برای اصلاح خانواده از همسر و مادر غیرشایسته دارد.

#### • مناقشه

ممکن است بر این استدلال به روایت دو مناقشه شود:

مناقشه نخست، اشکال کلامی و با توجه به علم غیب اهل بیت است در این‌که چگونه حضرت با کسی ازدواج کرده است که آگاهی به فساد او ندارد! در نتیجه این روایت با اصول اعتقادی در تعارض است و نمی‌توان بدان استناد کرد.

پاسخ این مناقشه روشن است. اهل بیت علیه‌السلام بر پایه ظواهر با دیگران برخورد می‌کردند و این نکته ضروری به روایت نمی‌رساند.

مناقشه دوم این‌که روایت دارای اطلاق نیست تا از آن بتوان در مطلق تجسس و ورود به حریم همسر و فرزند بهره برد. ممکن است این تجسس حضرت، به علت اهمیت جایگاه امامت و از سویی، حفظ جان ایشان باشد. ممکن است بیان شود که با توجه به این‌که آن زن عقاید خارجی داشته و ناصبی بوده است، همچون ترور خانگی امام حسن مجتبی علیه‌السلام امکان ترور حضرت نیز وجود داشته است. از سویی، ممکن است این اقدام حضرت و این حساسیت، به علت حساسیت جایگاه امام و همسر ایشان در جامعه بوده باشد. نتیجه این‌که با این احتمال‌ها نمی‌توان از این روایت، اطلاقی برداشت کرد و جواز تجسس در هر موردی و برای هر کسی را برداشت کرد.



## روایت حسین بن موسی بن جعفر علیه السلام

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ، عَنْ أُمِّهِ قَالَتْ: كُنْتُ أَعْمُرُ قَدَمَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَهُوَ نَائِمٌ مُسْتَقْبِلًا فِي السَّطْحِ، فَقَامَ مُبَادِرًا يَجْرُ إِزَارَهُ مُسْرِعًا فَتَبِعْتُهُ فَإِذَا غُلَامَانِ لَهُ يُكَلِّمَانِ جَارِيَتَيْنِ لَهُ وَبَيْنَهُمَا حَائِطٌ لَا يَصِلَانِ إِلَيْهِمَا، فَتَسَمَّعَ عَلَيْهِمَا ثُمَّ التَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ: «مَتَى جِئْتِ هَاهُنَا؟» فَقُلْتُ: حَيْثُ قُئِمْتُ مِنْ نَوْمِكَ مُسْرِعًا فَرِعْتُ فَتَبِعْتِكَ. قَالَ: «الَمْ تَسْمَعِي الْكَلَامَ» (حمیری، ۱۳: ۵۱۴، ق: ۳۳۱)؟ قُلْتُ: بَلَى. فَلَمَّا أَصْبَحَ بَعَثَ الْغُلَامَيْنِ إِلَى بَلَدٍ وَبَعَثَ بِالْجَارِيَتَيْنِ إِلَى بَلَدٍ آخَرَ، فَبَاعَهُنَّ» (حمیری، ۱۳: ۵۱۴، ق: ۳۳۱؛ مجلسی، ۳: ۵۱۴، ق: ۵۸، ۱۱۹).

درباره کتاب «قرب الاسناد» نیز اختلاف نظر است. نجاشی ضمن توثیق عبدالله بن جعفر حمیری از سه کتاب با نام «قرب الاسناد» یاد می‌کند. (احمد بن علی نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۴) شیخ طوسی نیز از کتاب «قرب الاسناد» یاد می‌کند که سند وی به آن کتاب قابل اعتماد است. (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۴) با این حال معین نمی‌کند که مراد از «قرب الاسناد» کدام یک از سه کتابی است که نجاشی از آن‌ها نام برده است. ابن ادریس و علامه مجلسی این کتاب را به محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری نسبت می‌دهند؛ اما مجلسی اذعان دارد که «قرب الاسناد» را از نسخه قدیمی به خط ابن ادریس نگارش کرده است که خود ابن ادریس اصل کتاب را در اختیار نداشته است؛ بلکه محتوای آن را از طریق وجاده دریافت کرده و سپس نگارش نموده است. (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳: ۷، ۱۰) بنابراین، آنچه امروز در اختیار ما قرار دارد کتابی است که از طریق مرحوم علامه به ما رسیده است. از آن‌جا که کتاب به طریق معتبر به ایشان رسیده است، نمی‌توان بدان اعتماد کرد.

## • بررسی دلالی

حسین بن موسی بن جعفر علیه السلام از مادر خود نقل کرده‌اند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در پشت بام خوابیده بودند؛ ناگهان از جای بلند شدند و به سرعت رفتند. دو غلام با دو کنیز حضرت مشغول صحبت بودند و دیوار بین آن‌ها بود. حضرت حرف‌های آن‌ها را گوش دادند. فردا صبح آن دو غلام را به یک شهر و دو کنیز را به شهر دیگری فرستادند و آن‌ها را فروختند. «فَتَسَمَّعَ عَلَيْهِمَا» دلالت بر تجسس و استراق سمع حضرت دارد.

ادعا این است که این فعل حضرت، بر جواز تجسس و استراق سمع رفتار زبردستان



در خانه جهت رفع موانع انحراف در محیط خانه دلالت دارد. اقدام حضرت در جداسازی محل زندگی آن‌ها نیز اقدام اصلاحی در محیط خانواده بوده است.

#### • مناقشه

ممکن است بیان شود که کنیز بودن آن‌ها موضوعیت دارد و نمی‌توان الغای خصوصیت کرد. در نتیجه نمی‌توان درباره همسر و فرزند از این روایت بهره برد. این احتمال مانع استدلال به این روایت می‌گردد.

در نتیجه این دو روایت نمی‌توانند مطلق تجسس و ورود به حریم شخصی فرزند و همسر را اثبات کنند.

#### اطلاق آیه وقایه

از ادله مهم وظیفه‌مندی نسبت به خانواده، آیه وقایه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم: ۶). آیه «وقایه» درباره تعلیم و تربیت دینی فرزندان و اعضای خانواده در واجبات و محرمات، دلالت بر حکم الزامی مولوی دارد. مصداق بارز این حکم، اهل و والدین هستند (اعراف، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

ادعا این است که این صیانت و بازدارندگی اهل از گناه، اطلاق دارد و شامل ورود به حریم شخصی فرزند و همسر البته با هدف صیانت و نگهداری آن‌ها از گناه و عذاب الهی است.

گفتنی است که این مقاله در پی اثبات حدود وظایف صیانتی نیست؛ بلکه بر فرض اثبات وظایفی از این آیه، آن وظایف دارای اطلاق هستند و شامل ورود به حریم شخصی برای انجام آن وظایف در شرایطی می‌شوند.

توضیح بیشتر این‌که در صیانت چند احتمال وجود دارد: صیانتی که با حریم شخصی ارتباطی ندارد؛ مانند: صیانت از فرزندان در فضای عمومی خانه؛

صیانتی که با حریم شخصی در ارتباط است؛ اما منحصر در ورود به حریم شخصی نیست؛ مانند: صیانت از انتخاب دوست مناسب فرزندان که می‌توان بدون تجسس نیز مانع انتخاب دوست نامناسب برای او باشد.

صیانتی که با حریم شخصی در ارتباط است؛ اما مراحلی از صیانت منحصر به ورود



حریم شخصی است؛ مانند: صیانت از ارتباط‌های مجازی و مصرف رسانه‌ای همسر و فرزندان که برای اطلاع از آن، ناگزیر از ورود به حریم شخصی آن‌ها است.

در صورت سوم، پرسش این است که آیا می‌توان با توجه به وظیفه صیانتی نسبت به زوجه و فرزند و از سویی انحصار تحقق آن در ورود به حریم شخصی و تجسس در مواردی، به‌ویژه با وجود احتمال بالای انحراف در برخی فضاها مانند فضای مجازی وارد حریم شخصی آن‌ها شد؟ برخی فقها بر پایه این وظیفه صیانتی، به جواز آن حکم کرده‌اند؛ از جمله: حکم مرحوم جواد تبریزی رحمه‌الله به این که «لا يجوز التجسس على الزوجة إلا إذا كان يريد صلاحها أو كان لأمرٍ يمسه أو أمرٍ يضر بها من باب «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ» واللّٰهُ العالم» (تبریزی، ۱۴۳۳ ه. ق، ۶: ۲۶۱). گفتنی است حکم ایشان حتی مقید به محدودیت در روش‌های صیانتی به تجسس نیست؛ یعنی حتی اگر از راه‌های دیگر نیز می‌توان همسر را از گناه باز داشت، باز هم می‌توان از راه ورود به حریم شخصی افراد استفاده کرد.

### فلسفه تربیتی حریم خصوصی

فقه امامیه برنامه هدایت افراد است و لزوم رعایت حریم شخصی در آن، نمی‌تواند مفری برای انجام گناه باشد؛ بلکه این قانون نیز حکمت‌هدایتی و تربیتی دارد که از جمله آن می‌توان به عدم اشاعه فساد، هدایت افراد براساس اختیار و حفظ آبرو و عدم تخریب شخصیت افراد با توجه به نقش اساسی آن در زمینه‌سازی وقوع آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد؛ اما آن‌گاه که این حریم شخصی، خود دست‌آویزی برای اشاعه فساد باشد، سلب آزادی دیگران در داشتن محیط رشد دینی و مانع شدن برای هدایت دیگران، حکمتی برای پایداری بر آن نیست. بر پایه مصالح والای تربیت اسلامی، در چنین مواردی نه تنها ورود به حریم شخصی برای اصلاح اجتماعی جایز است؛ بلکه در برخی موارد واجب می‌گردد.

(ر.ک: احمدی میانجی: ۱۳۸۴ ش)

نکته دیگر این که مؤمن حق ندارد برای کشف فحشایی، وارد حریم خصوصی افراد شود؛ اما اگر به علتی به آن‌ها دست یافت، حق ندارد آن‌ها را منتشر کند؛ زیرا عنوانی همچون اشاعه فحشا بر آن صدق می‌کند که در ادله<sup>۱</sup> از آن نهی شده است.

۱. مانند: و قال علی بن ابراهیم فی قوله: «إِنَّ الَّذِيْنَ يُحِبُّوْنَ أَنْ تُشَاعَ الْفَاحِشَةُ فِى الَّذِيْنَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ».



## جمع‌بندی و دیدگاه برگزیده

حریم شخصی عنوانی جدید است و این عنوان در ادله به‌طور خاص وارد نشده است؛ اما عناوین ممنوعیت تجسس، عیب‌جویی، استراق سمع و بصر، ورود بدون استیذان به منازل بر آن دلالت دارند. بر پایه این عناوین فقهی بیان شده، می‌توان قائل به این شد که «بنا بر حکم اولی و ورود و تجسس در محدوده‌ای برای مربی جایز نیست». برداشت این تجویز کلی از عناوین تجویزی خرد، همان است که در نظام‌سازی انجام می‌شود. ممکن است بر پایه این تجویز کلی، در نظام روابط میان‌فردی گفته شود که رعایت حریم افراد، حاکم بر دیگر تجویزهای نظام روابط میان‌فردی است.

از سویی، دیدگاه برگزیده این است که دلیل وقایه نسبت به روش‌های صیانتی اطلاق دارد؛ مگر موارد و روش‌هایی که حرام است. حکم تجسس و ورود به حریم شخصی، حرمت است. در نتیجه به حکم اولی نمی‌توان به حریم شخصی برای صیانت، ورود کرد؛ اما در جایی که برای صیانت، راهی جز ورود به حریم شخصی نباشد، میان وظیفه صیانت و رعایت حریم شخصی تراحم پیش می‌آید. در چنین مواردی باید اولویت‌سنجی کرد.

بنابراین، تنها در آن جایی می‌توان برای صیانت به حریم شخصی وارد شد که صیانت و بازدارداری فرزند و همسر از گناه، منحصر به ورود به حریم شخصی است. از آن‌جا که وقایه، پیشگیری است، شامل اقدام‌های پیشگیرانه محتمل می‌شود؛ یعنی احتمال این‌که امری سبب گناه شود، برای ورود به حریم شخصی برای جلوگیری از آن کافی است؛ البته به شرط آن‌که آنچه درباره روش منحصره بودن بیان شد، وجود داشته باشد.

قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْ عَيْنَاهُ وَ مَا سَمِعَتْ أُذُنَاهُ كَانَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ «إِنَّ الَّذِينَ يُجْتَبُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (تفسیر القمی، ۱۴۰۴، ۲: ۱۰۰).



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقا بابایی، حسین (تابستان ۱۳۸۹): «اللیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲): الخصال، ج ۱، قم، جامعه مدرسین.
۴. ابن منظور، ابوالفضل (۵۱۴۴ ه.ق): لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. ابوالحسن، احمد بن فارس بن زکریا (۵۱۴۰۴ ه.ق): معجم مقاییس اللغة، ج ۶، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. ابوعمر الشیبانی (بی تا): کتاب الجیم، القاهرة، هیئة العامة لشؤون المطابع الأمیریة، عام النشر: ۳۹۴ ه.ق - ۱۹۷۴ م.
۷. ابوجعفر طوسی (بی تا): الفهرست، نجف، المكتبة الرضویة.
۸. احمدی میانجی، علی؛ اطلاعات و تحقیقات در اسلام، انتشارات دادگستر، بی جا، ۱۳۸۴ ش.
۹. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۹): فقه تربیتی؛ وظایف نهادهای تربیتی خانواده، تهران، مؤسسه اشراق و عرفان.
۱۰. انصاری، باقر (۱۳۹۴): حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت.
۱۱. تبریزی، جواد (۵۴۳۳ ه.ق): صراط النجاة فی أجوبة الاستفتات، قم، دارالصدیقه الشهید - سلام الله علیها.
۱۲. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود (۵۴۲۳ ه.ق): موسوعة الفقه الإسلامی طبقا لمذهب أهل البيت علیه السلام، ۱۱ جلد، ج ۱، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام، قم، بی تا.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر (۵۴۱۳ ه.ق): قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۴. خمینی، سید روح الله (۵۴۲۲ ه.ق): استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۵۴۱۲ ه.ق): مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم.
۱۶. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۵ ه.ق): الطهارة (للشیخ الأنصاری)، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه.
۱۷. شهبازفرخی، سجاد (بهار و تابستان ۱۳۹۴): «حریم خصوصی معنوی افراد در فقه امامیه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، اندیشه های حقوق عمومی، سال چهارم، شماره ۲.
۱۸. شهریاری، حمید (زمستان ۱۳۹۸): «نقد و بررسی چهار تعریف حریم خصوصی از منظر فلسفه اخلاق در غرب»، پژوهش های فلسفی - کلامی، سال ۲۱، شماره ۴.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۵۴۲۰ ه.ق): فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی.
۲۰. فراهیدی (۵۴۰۹ ه.ق)، العین، قم، هجرت.



۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۵۱۴۰۷.ق)؛ الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج چهارم.
۲۲. مجلسی اصفهانی (مجلسی اول)، محمدتقی (۵۱۴۰۶.ق)؛ روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ۱۳ جلد، ج ۲، قم، مؤسسه فرهنگی - اسلامی کوشانبور.
۲۳. مجلسی (علامه)، محمدباقر بن محمدتقی (۵۱۴۰۳.ق)؛ بحار الأنوار، بیروت، المكتبة الإسلامیه.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰)؛ فقه تربیتی؛ وظایف نهادهای تربیتی خانواده، تهران، مؤسسه اشراق و عرفان.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۵۱۴۲۶.ق)؛ أنوار الفقاهة - كتاب التجارة (المکارم)، دریک جلد، ج ۱، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. مهدی زاده، حسین (آبان ۱۳۸۱)؛ «کاوشی در ریشه قرآنی واژه «تربیت» و پیامد معنایی آن»، مجله معرفت، شماره ۵۹.
۲۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۵۱۴۲۲.ق)؛ رسائل و مسائل (للنراقی)، ۳ جلد، ج ۲، قم، کنگره نراقیین ملامهدی و ملا احمد.
۲۹. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۵۱۴۰۴.ق)؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ۴۳ جلد، ج ۱۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج هفتم.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)؛ رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین یقم المشرفه.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴.ق)؛ تفسیر القمی، ج ۲، قم، دارالکتاب.
- www.mehrnews.com ۳۲
- www.familysafemedia.com ۳۳